

بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور - 14 اردیبهشت/ 1390

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خوشامد عرض میکنیم به برادران و خواهران عزیز، معلمان و مسئولان شغل برجسته و حساس تعلیم و تربیت در سراسر کشور. از این فرصت استفاده میکنم، به همه‌ی معلمان در اقصی نقاط کشور سلام و درود میفرستم و از خداوند متعال متضرعانه مسئلت میکنم که این جریان عظیم تعلیم و تربیت را که بر دوش شماست، برای شما مبارک بفرماید و برای ملت عزیزمان هم ان شاءالله منشأ خیرات و برکات قرار بدهد.

یاد شهید عزیزمان، معلم برجسته و همیشه زنده و پایدارمان، مرحوم شهید مطهری را باید گرامی بداریم. من عرض بکنم؛ اینکه روز معلم را در سالگرد شهادت شهید مطهری قرار دادند، یک معنای نمادین و پرمغز و پرمضمونی دارد؛ چون حقاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یک انسان بزرگ و برجسته بود. زندگی او، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یک بصیرت کامل در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود. خدای متعال هم این مرد بزرگ را ماجور کرد، پاداش داد و شهادت را نصیب او کرد؛ در واقع او را زنده نگه داشت؛ «بل احياء عند ربهم». (1) یک متخرّج و تحصیلکرده‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، وقتی با کوله‌بار معرفت و دانشی که به طور عمیق آموخته است، می‌آید در دل محیط فرهنگ و تعلیم و تربیت عمومی و نسل جوان قرار میگیرد، اینقدر منشأ برکات میشود.

من همین جا عرض بکنم - قبلاً هم در حوزه‌ی علمیه گفته‌ام - فضلا و برجستگان حوزه‌ی علمیه، آن عناصر لایق و توانائی هستند که میتوانند در مجموعه‌ی عظیم آموزش و پرورش نقش ایفاء کنند؛ و هیچ دستگاهی مهمتر از آموزش و پرورش نیست. این بدان معناست که برای آموزش و پرورش هرچه سرمایه‌گذاری مادی و معنوی و انسانی بشود، جا دارد. آموزش و پرورش منبع حیات برای جامعه است؛ هم برای امروز جامعه، و هم برای فردای جامعه. خب، در اینجا میرسیم به نقش معلم، که شما باشید. معلم کسی است که دارد نیروی انسانی را آماده میکند برای اداره و گذران زندگی کشور و زندگی جامعه در آینده‌ی نه چندان دوری. چشم به هم بزنییم، همین جوانهای شما، همین محصلین شما، مردانی هستند که کارهای این جامعه بر دوش آنهاست؛ در هر رتبه‌ای که باشند، در هر سطحی که باشند. در بین همینهاست که برجستگان و مردان بزرگ به وجود می‌آیند؛ در بین همینهاست که مجاهدان راه حق، پاکبازان و مخلصان سر و پا نشناخته‌ی در راه اهداف الهی به وجود می‌آیند؛ در بین همینهاست که دستهای توانائی به وجود می‌آید که چرخ اقتصاد کشور را بچرخاند، فرهنگ کشور را سر و سامان بدهد؛ همین بچه‌هایی که امروز در کلاس درس شما هستند. شما میخواهید اینها را از آب در بیاورید. شما میخواهید اینها را پرورش بدهید که فردا در آنجائی که قرار گرفتند، بتوانند خوب کار کنند، درست کار کنند، مایه‌ی پیشرفت باشند، مایه‌ی عقبگرد و فساد نباشند. ببینید چقدر مهم است.

من عرض کردم؛ تأثیر شما که معلم هستید، در موارد بسیاری حتی از تأثیر وراثتها بیشتر است. خصال وراثتی و ارثی چیزهائی است که با انسان همراه است، اما با تمرین و با عاداتهای ثانوی میتوان بر همین خصال فائق آمد. این تمرین عادت ثانوی را معلم میتواند به دانش‌آموز خودش، به شاگرد خودش ببخشد و بدهد. یعنی شما میتوانید به معنای حقیقی کلمه، انسان طراز اسلام را به وجود بیاورید؛ میتوانید نیروی انسانی طراز جمهوری اسلامی را به وجود بیاورید؛ این نقش معلم است. اینها تعارف نیست؛ اینها حقایقی است که وجود دارد.

یکی از کارهای واجب ما این است که آحاد ملت ما، از کوچک و بزرگ، از مقامات عالی تا آحاد مردم، قدر معلم را بدانند، اهمیت معلم را درک کنند، حرمت معلم را بشناسند؛ این از کارهای بسیار اساسی است. رسانه‌ها باید نقش ایفاء کنند، مسئولان باید نقش ایفاء کنند. به تعارف هم برگزار نشود؛ تفهیم شود. امثال من نوعی بفهمیم که چقدر مهم است نقش این مردی، این زنی که در کلاس، عمر خودش را دارد برای تربیت این نوجوان ما، این کودک ما، این فرزند ما مصرف میکند. البته خود معلم هم این نقش را بدرستی درک کند و اهمیت آن را بفهمد. این از کارهای

اساسی و مهم ماست. بنابراین ارزش معلم، هفته‌ی معلم، روز معلم، چیزهای بسیار برجسته و بزرگی است. همه باید توجه کنند؛ مردم یک جور، مسئولین یک جور، آموزش و پرورش یک جور، دولتی‌ها یک جور؛ هر کسی به نحوی در قبال این مقام تعریف شده‌ی معلم وظائفی دارد. بایستی ان شاءالله همه این را متعهد بشوند، به گردن بگیرند و انجام بدهند؛ از جهات مادی و معنوی، بخصوص از جهات حیثیتی.

یک حرف، در زمینه‌ی تحول در آموزش و پرورش است، که ما مکرر این را عرض کردیم در همین اجتماعاتی که با شما معلمین عزیز و مسئولین آموزش و پرورش تشکیل شده است، یا در جلساتی به مسئولین به طور خاص گفته‌ایم. خب، اصلاً دلیل این تحول چیست؟ آخر، بیخودی و بی‌دلیل که انسان یک چیزی را متحول نمیکند. چرا می‌خواهیم تحول ایجاد کنیم؟ دلیل ساده‌اش این است که نظام کنونی آموزش و پرورش ما توانائی لازم را برای تربیت نسلهای گوناگون ما نشان نداده است. علت هم در درجه‌ی اول این است که این نظام و این تشکیلات، وارداتی است؛ برخاسته‌ی از نیازهای درونی ما نیست. این، یکی از مشکلات بزرگ ماست. یک وقت تجربه‌های یک ملت، گذران تاریخی زندگی یک ملت، او را به این نتیجه میرساند که باید اینجور تعلیم کند، اینجور تربیت بدهد، اینجور خانه بسازد، اینجور مشی کند، اینجور مدیریت کند؛ این خوب است. انسان باید همیشه از تجارب دیگران هم استفاده کند. ما بدمان نمی‌آید و ننگمان نمیکند که از دیگران یاد بگیریم. آنچه که بد است، این است که ما بیائیم الگوهای ملتهای دیگر و فرهنگهای دیگر را به طور دربست در بین ملت و کشور خودمان پیاده کنیم و اقتضائات و شرائط و زمینه‌ها را اصلاً در نظر نگیریم. از صد سال پیش، این در کشور ما اتفاق افتاده است. آن کسانی که نیت خوب داشتند و میخواستند کشور را پیش ببرند، اما نفهمیدند چه جور میشود این کشور را پیش برد - حالا آنهایی که مزدور سرویسهای جاسوسی و دولتهای بیگانه بودند، به کنار - فکر کردند باید بروند سر تا پا بشوند به شکل آن بیگانگان، که گفتند ما از سر تا قدم باید فرنگی شویم؛ هم گفتند، هم در نوشته‌هاشان هست؛ آنها این خطای بزرگ را کردند؛ از جمله آموزش و پرورش ما. خیلی چیزهای دیگر ما هم متأسفانه همین جور بود. اقتصاد ما، معماری ما، زندگی عرفی و فرهنگی ما و خیلی چیزهای دیگر ما به خاطر خیانت یا بدفهمی نخبگان سیاسی دورانهای طاغوت، به این بلا مبتلا شد. خب، الحمدلله انقلاب اسلامی آمد مسیر را عوض کرد. ما آمدیم به سمت خودجوشی، خوددانی و خودفهمی؛ لیکن هنوز بسیاری از بنیانها به همان حال سابق موجود است؛ از جمله همین مسئله‌ی آموزش و پرورش. ما باید از تجربه‌های دنیا - چه دنیای غرب، چه دنیای شرق؛ ملتهای گوناگون - حتماً استفاده کنیم برای کیفیت بخشیدن به الگوی خودمان. نیاز ما به تحول، از اینجاست.

این تحول باید بر اساس ایجاد یک الگوی مستقل ایرانی و برخاسته‌ی از معنویات و نیاز این کشور باشد؛ یعنی در واقع برخاسته‌ی از اسلام ناب، اسلام مورد اعتقاد ما باشد. ما بایستی یک چنین الگویی به وجود بیاوریم. تحول باید ناظر به این باشد. هدف این الگوی جدید، این ترکیب و ساخت جدید برای آموزش و پرورش باید چه باشد؟ هدف، تربیت نیروی انسانی طراز جمهوری اسلامی است. اگر جمهوری اسلامی میخواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد، میخواهد خودش به سعادت برسد، دنیا و آخرت خود را آباد کند - همچنان که قرآن به ما یاد میدهد که میتوان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد - اگر میخواهد به ملتهای دیگر کمک برساند، که «کنتم خیر امة اخرجت للناس»، (2) شاهد و مبشر ملتهای دیگر باشد، خب، طبیعتاً نیازهایی دارد: باید انسانهای شریف، دانا، با استعدادهای جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، دارای شجاعت، قوت خطرپذیری، ورود در میدانهای جدید، بدون هیچگونه عقده‌ی خودکم‌بینی یا خودبرتربینی، انسانهای دلداده‌ی به خدای متعال و متکی به قدرت الهی و دارای توکل کامل، انسانهای صبور، انسانهای بردبار و حلیم، انسانهای خوشبین و انسانهای امیدوار تربیت کنید. اسلام همه‌ی اینها را به صورت بسته‌ی کامل در اختیار همه‌ی معتقدین و مؤمنین خود قرار داده. این بسته را باز کنیم، دانه‌دانه از این مواد استفاده کنیم، بهره‌مند شویم، آنها را بچشیم و درون وجود خودمان ذخیره کنیم. خروجی آموزش و پرورش باید اینجور انسانی باشد. انسانهای تنگ‌نظر، انسانهای بدبین، انسانهای ناامید، انسانهای افسرده، انسانهای بی‌تقوا، ناپرهیزگار و آلوده‌دامن نمیتوانند جوامع را پیش ببرند و ملتها را خوشبخت کنند؛ طبعاً نمیتوانند الگو هم باشند. تحول آموزش و پرورش ناظر به این است.

همه‌ی این مطالبی که وزیر محترم گفتند، کارهای خوبی است - البته در يك حد نیست؛ بعضی کارهای مهم و درجه‌ی يك و اساسی است، بعضی هم کارهای فرعی است - اینها باید انجام بگیرد؛ منتها جهت را مشخص کنید، بدانید چه کار می‌خواهیم بکنیم. نقشه‌ی جامع برای تحول، در دستمان باشد. بر اساس این نقشه‌ی جامع، اجزای گوناگون را، یکی زودتر، یکی دیرتر، به وجود می‌آوریم. شما در ذهنتان طرح يك ساختمان کامل جامع زیبایی مستحکم را در يك زمین بزرگ و در جای مناسب میریزید؛ میدانید چه کار می‌خواهید بکنید. حالا از يك گوشه‌ای شروع میکنید. گاهی يك جزئی از ساختمان را این طرف، گاهی يك جزء دیگر را آن طرف می‌سازید. آدمی که نگاه میکند، ممکن است نفهمد چه چیزی در خواهد آمد؛ اما شما که نقشه در ذهنتان هست، میدانید چه کار دارید میکنید. هر جزئی، تأمین‌کننده‌ی بخشی از آن نقشه‌ی جامع است. این وقتی است که نقشه‌ی جامع داشته باشید. اگر نقشه‌ی جامع وجود نداشت، اگر در این تحول، نگاه کلان وجود نداشته باشد، کارها ممکن است متناقض از آب در بیاید؛ تکراری باشد، زائد باشد، کمبودهای بزرگی به وجود بیاید. پس نگاه کلان و نقشه‌ی جامع، شرط اول است. یکی از چیزهایی که در این نقشه‌ی جامع حتماً باید رعایت شود، مسئله‌ی معلم است. البته در مورد کتابهای درسی کارهای خوبی انجام گرفته - در جریان برخی از کارهای خوبی که در کتابهای درسی انجام گرفته، قرار داریم؛ البته کارهایی هم باید انجام بگیرد، که ان‌شاءالله انجام می‌گیرد - لیکن کتاب را معلم درس خواهد داد. اگر معلم، دانا، دلسوز، اهل فکر و اهل ابتکار بود، چنانچه آن کتاب ناقص هم باشد، او مطلب را تکمیل میکند. اگر معلم، ناتوان، ناامید، بی‌انگیزه و بی‌حوصله بود و برای از سر واکردن تدریس کرد، آن وقت اگر کتاب خوب هم باشد، معلوم نیست چیز درستی گیر دانش‌آموز بیاید. پس معلم مهم است. محور، معلم است.

به مسئله‌ی تربیت معلم، مسئله‌ی بازآموزی‌ها، تداوم تحصیلات و دوره‌های گوناگون آموزشی برای معلمین اشاره کردند؛ اینها کارهای خیلی خوبی است و باید انجام بگیرد. البته خود شما معلمین عزیز نقش دارید در اینکه آن نمونه‌ی کافی و لازم برای معلمی را در مدرسه‌ها نشان بدهید. به هر حال اینها نیازهای ماست و باید انجام بگیرد. دستگاه‌های دولتی بایستی به این مجموعه‌ی بزرگ و مهم با این چشم نگاه کنند. فردای ما متوقف به امروز آموزش و پرورش است. هرچه اینجا سرمایه‌گذاری شود، مسلماً بازده‌های آن در زمان خود، در وقت خود، بمراتب بیش از آن مقداری که سرمایه‌گذاری مادی و معنوی شده است، ارزش خواهد داشت. کشور ما نیاز دارد به يك آموزش و پرورش خوب. چرا؟ چون کاری که این ملت به عهده گرفته و شروع کرده است، کار بزرگی است.

عزیزان من! باور کنیم آن حرکتی که این ملت قوی و شجاع و مؤمن به رهبری امام بزرگوار و عزیز ما به وجود آورد و انجام داد، در طول تاریخ - نه اینکه در زمان ما - کم‌نظیر است. کار عظیمی شد، کار بزرگی شد. من و شما که در دل این کار قرار گرفته‌ایم و هر کدام به قدر وسع خودمان، توان خودمان، عرضه‌ی خودمان داریم يك حرکتی میکنیم، نمیتوانیم يك ارزیابی کاملی از این حرکت عظیم بکنیم؛ مگر آن وقتی که انسان خودش را از این ابعاد خارج کند؛ فکر کند، مقایسه کند، وضع دنیا را ببیند؛ حرکت‌های عظیم جهانی و بشری را ببیند؛ انگیزه‌های گوناگونی را که پشت سر حرکت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی هست، مشاهده کند؛ نقش قدرتهای مستکبر را - همان «اکابر مجرمیها لیمکروا فیها» (3) که در قرآن هست - ببیند؛ نقش سیاست‌های مخرب را در قبضه کردن دنیا و فشردن بشر در بین چنگال‌های خونین و آهنین خودشان به خاطر منافع خاص، مشاهده کند؛ بعد ببیند این حرکت چه حرکت عظیمی بود. حرکت يك ملت برای احیاء ارزشهای اسلامی - که اصیل‌ترین ارزشهای انسانی هم همین ارزشهای اسلامی است - در دنیائی که همه‌ی عوامل زور و قدرت علیه این ارزشها به کار گرفته شده است، خیلی کار بزرگی بود، خیلی کار عظیمی بود.

درست است که يك ملت با همه‌ی قدرت وارد میدان شد و کار بزرگی انجام داد و پیروز شد و نظام تشکیل داد، اما غریب هم بود. این ملت هنوز هم غریب است. این ملت با غربت این کار را انجام داد، غریبانه این راه دشوار را پیمود؛ خسته نشد، دلزده نشد، افسرده نشد، ناامید نشد، ترسیده نشد؛ پیش رفت. امروز آثار کارهای او، نشأت این حرکت عظیم و انگیزه‌ی بزرگ او در دنیا دارد تدریجاً محسوس و دیده میشود.

من به شما عرض بکنم؛ فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار

داریم، حرکات بیداری‌ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت ملت ایران، امتداد و عمقش اینهاست؛ حرکت عظیمی است.

خب، اگر بخواهید این حرکت با همین شتاب و با همین رفتار تداوم پیدا کند و اثربخش باشد، بایستی خودمان را بسازیم. ما باید «کزبر الحديد» باشیم؛ مثل پاره‌های فولاد. ایمانمان را تقویت کنیم؛ بصیرتمان را زیاد کنیم؛ آگاهی‌مان را بیشتر کنیم؛ دانشمان را روزبه‌روز پیش ببریم؛ استعدادهایی را که خدای متعال در درون ما قرار داده، شکوفا کنیم؛ دست اتحاد و وحدتی که به هم دادیم، محکم نگه داریم، بفشریم؛ اینها لازم است. الحمدلله ملت ما همین جورها دارند عمل میکنند، ملت ما دارند خوب پیش میروند؛ اما اگر شما نتوانستید این نسل رو به رشد را، نسل نواخته را به شکل درست تربیت کنید، این حرکت، سریع‌تر و پرشتاب‌تر پیش خواهد رفت. مطمئن باشید جمهوری اسلامی ایران به برکت همتهای بلند، به برکت ایمانهای قوی، به برکت انسانهای خوب و مؤمن و با اخلاصی که بحمدالله در کشور ما فراوان وجود دارند، خواهد توانست قله‌ها را یکی پس از دیگری فتح کند.

رحمت خدا بر پیشروان این راه، رحمت خدا بر شهیدان عزیز و مجاهدان سربلند و بزرگوار، رحمت خدا بر روح مطهر امام بزرگوارمان که این راه را به روی ما گشودند، و رحمت خدا بر همه‌ی ملت ایران.
والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(1) آل عمران: 169

(2) آل عمران: 110

(3) انعام: 123